خبرها درباره خلع سلاح مقاومت لبنان چقدر واقعی است؟

تسلیح و بازسازی است نه خلع سلاح

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در شبکه‌های مجازی منطقه و لبنان سرباز‌ان سایبری دشمن و رقبای داخلی مقاومت لبنان به همراه صهیونیست‌ها درحال دامن زدن به شایعه خلع سلاح هستند؛ سلاحی که در غزه از دستان مقاومت خارج نشد و پیشروی صهیونیست‌ها در جنوب لبنان را متوقف کرد؛ با چه‌ترویری باید از دستان آن گرفته شود؟ چه گروه‌ها، دولت‌ها و تلاقی توانایی خلع سلاح مقاومت در شام را دارد؟ سؤال مهم آنکه آیا درصورت حرکت دشمن به سمت تحقق خلع سلاح، واکنش مقاومت چه خواهد بود؟ مگر تمام جنگ‌های قبلی برای تحقق خلع سلاح مقاومت و حتی نابودی محیط اجتماعی آن نبودند و به ناکامی نرسیدند؟ سؤالات متعددی در این زمینه با جواب‌هایی نقریباً واضح وجود دارد. مقاومت چون می‌داند پس از خلع سلاح، دشمن هیچ مهلتی به او نمی‌دهد، پس به جای تن دادن به خلع سلاح به هرگونه جنگ حتی در فراگیرترین شکل تن می‌دهد. علی رغم این نکته اما قضیه خلع سلاح نیازمند مشوکاتی بیشتری است تا بتوان توضیح داد که به چه دلایلی این قضیه امکان تحقق ندارد.

ردّ خلع سلاح در بررسی تغییرات توازن داخلی

خلع سلاح مقاومت در لبنان به معنای خلع سلاح در جریان عمده شیعی و به طور خلاصه سلاح شیعیان است. این درحالی است که اهل سنت و مسیحیان دارای گروه‌های شبه‌نظامی گوناگونی هستند. آن‌جا که این گروه‌ها خلع سلاح رانمی‌پذیرند، قطعاً خلع سلاح شیعیان امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا توازن داخلی به زیان شیعیان برهم می‌خورد. بر فرض آنکه شبه‌نظامی‌ها اقدام به تسلیم و مسیحی خلع سلاح را بپذیرند، همچنان به مشکل دیگر از نظر اختلاف توازن مذهبی و طایفه‌ای باقی خواهد ماند. مشکل اول به بافت مسیحی ارتش لبنان مربوط است. اگر گروه‌های شبه‌نظامی سه طایفه اصلی منحل شوند، قدرت نظامی از طریق ارتش به‌طور انحصاری در اختیار مسیحیان قرار می‌گیرد و در اینجا به شیعیان، بلکه کل مسلمانان از نظر توازن نظامی زیان می‌بینند.

مشکلی نیز در خصوص اهل سنت وجود دارد. اگر گروه‌های شبه‌نظامی اهل سنت خلع سلاح شوند، خصوصاً دولت حواله‌ی و جنبش گروه تروریستی تکفیری در مورد به این ضعف را برای آن‌ها جبران خواهد کرد. برخی اخیراً حکایت از تجمع دهها هزار تروریست تکفیری در مرز با لبنان دارد. ارتش حواله‌ی تاکنون چندین دور درگیری را با قبایل شیعی و ارتش لبنان پشت سر گذاشته است.

در شرایطی که این گروه‌های تروریستی از ابتدای بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ دست به کشتار شیعیان زده و پس از روی کار آمدن حواله‌ی نیز این اقدام را در ساحل سوریه و مرز با لبنان تکرار کردند، عملاً اسلح اهل سنت در لبنان مؤثر باقی خواهد ماند. در چنین وضعیتی خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی سنی معنا‌ست، زیرا این خلأ را تروریست‌های تکفیری حاضر در سوریه پر می‌کنند.

مشکل سوم در سازیه بین اسلحه است که در آن تلاش شود توازن نظامی در لبنان و محیط سوریه از طریق جذب شیعیان به ارتش برقرار بماند. یکی از پیشنهادها در راستای تحقق خلع سلاح مقاومت پوستن بخشی از نیروهای آن به ارتش لبنان است؛ موضوعی که رئیس جمهور لبنان آن را مطرح کرد.

در این صورت شیعیان دسترسی خود به سلاح را حفظ کرده و ارتش نیز با اتهام انحصار سلاح در دستان مسیحیان مواجه خواهد بود. مشکل این سناریو اما بعد محدود استعداد ارتش و تسلیحاتی ارتش لبنان است. این ارتش فاقد نیروی هوایی و زرهی است؛ به‌گونه‌ای که امنیت مرزهای دریایی اش با آلمان است. این مسئله در سناریوهای خلع سلاح معضل نیست، زیرا مقاومت نیز فاقد چنین نیروهایی است، منافشه امابر سر توان رزمی آشکار می‌شود.

تعداد نیروهای ارتش لبنان بحدست به ۶۰ هزار نفر می‌رسد. این تعداد رسماً ۶۰ هزار نفر عنوان شده‌اند اما در کشورهایی با مختصات لبنان که سهم‌بندی طایفه‌ای و خانوادگی دارند، معمولاً قوا بسیاری بدون آنکه بر سرکار بروند و یا اساساً وجود خارجی داشته باشند. شاید برخی اسامی و عناوین جعلی خلق شده باشند تا یک خانواده بتواند منابع دولتی را از این طریق به دست آورد.

بر همین اساس تعداد واقعی نفرات ارتش لبنان تخمینی تا ۴۰ هزار نفر می‌رسد. این نیرو عمدتاً برای تأمین امنیت داخلی کاربرد دارد در حالی که مقاومت بدون آنکه مسئولیتی در شمال یا مناطق مرکزی برای حزب‌الله داشته باشد، با قابلیت مقابله با رژیم صهیونیستی و سپس حفاظت از جایگاه شیعیان، دارای ۱۰۰ هزار نیرو است. از سوی دیگر مقاومت از موشک‌های ضدتانک پیشرفته مانند نمونه‌های تاب‌تانک الماس و موشک‌های دهلاویه و کورنت بهره می‌گیرد. درحالی که ارتش لبنان به تعداد محدودی موشک ضدزرهی قدیمی مجهز شده که به‌گواهی برخی قابل استفاده هم نیستند. چنین نیروی حتی اگر ارتقای کمی از نظر نفرات و تسلیحات داشته باشد، تضمینی برای شیعیان نیست. آن‌ها با حضور در ارتش فاقد ظرفیت لازم برای دفاع در مقابل صهیونیست‌ها و تنش‌های داخلی خواهند بود.

قدرت‌های نظامی درشامات و حفظ جایگاه لبنان درموازنه امنیتی

در محیط شامات کشاش سوریه، لبنان، اردن و فلسطین اشغالی می‌شود. قدرت‌هایی نظامی حاضرند که باید به بررسی توان آن‌ها و اثراتشان بر لبنان پرداخت. اگر با خلع سلاح مقاومت، قدرت اصلی نظامی لبنان از بین برود، این کشور چگونه با تهدیدات متنوع حاضر در محیط خود روبه‌رو خواهد شد؟ در ادامه عمده قوای نظامی حاضر در منطقه شام مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱ نیروهای مستقر در شام

در شام دو نیروی داخلی آن یعنی سوریه تحت حکومت جولانی و رژیم صهیونیستی تهدیدی برای تمامیت ارضی و ثبات لبنان تلقی می‌شوند. هر دو دارای انگیزه‌هایی برای دخالت در امور لبنانند. رژیم صهیونیستی بارترشد قدرتمند خود خواهان اشغال مناطقی از جنوب لبنان و حضور دولتی ضعیف در مناطق باقی مانده است. حکومت جولانی نیز که حکومتی جهادی به حساب می‌آید، بدون آنکه به شکل قلبی برخورد را بپذیرد به دنبال گسترش فوحاتش است. شاید اوبه شکل مستقیم دست به چنین کاری نزند اما به صورت غیرمستقیم آرمان‌های خود را پیگیری می‌کند. جولانی خود با وجود تلاش‌های ائتلافی توانایی خلع سلاح مقاومت در شام را دارد؟ مسئله‌ای که محدودیت‌ناپذیری او در مرزها را ثابت می‌کند.

در فقدان ارتش، مقاومت لبنان بخحست به ۶۰ هزار نفر می‌رسد. این تعداد رسماً ۶۰ هزار نفر عنوان شده‌اند اما در کشورهایی با مختصات لبنان که سهم‌بندی طایفه‌ای و خانوادگی دارند، معمولاً قوا بسیاری بدون آنکه بر سرکار بروند و یا اساساً وجود خارجی داشته باشند. شاید برخی اسامی و عناوین جعلی خلق شده باشند تا یک خانواده بتواند منابع دولتی را از این طریق به دست آورد.

بر همین اساس تعداد واقعی نفرات ارتش لبنان تخمینی تا ۴۰ هزار نفر می‌رسد. این نیرو عمدتاً برای تأمین امنیت داخلی کاربرد دارد در حالی که مقاومت بدون آنکه مسئولیتی در شمال یا مناطق مرکزی برای حزب‌الله داشته باشد، با قابلیت مقابله با رژیم صهیونیستی و سپس حفاظت از جایگاه شیعیان، دارای ۱۰۰ هزار نیرو است. از سوی دیگر مقاومت از موشک‌های ضدتانک پیشرفته مانند نمونه‌های تاب‌تانک الماس و موشک‌های دهلاویه و کورنت بهره می‌گیرد. درحالی که ارتش لبنان به تعداد محدودی موشک ضدزرهی قدیمی مجهز شده که به‌گواهی برخی قابل استفاده هم نیستند. چنین نیروی حتی اگر ارتقای کمی از نظر نفرات و تسلیحات داشته باشد، تضمینی برای شیعیان نیست. آن‌ها با حضور در ارتش فاقد ظرفیت لازم برای دفاع در مقابل صهیونیست‌ها و تنش‌های داخلی خواهند بود.

قدرت‌های نظامی درشامات و حفظ جایگاه لبنان درموازنه امنیتی

در محیط شامات کشاش سوریه، لبنان، اردن و فلسطین اشغالی می‌شود. قدرت‌هایی نظامی حاضرند که باید به بررسی توان آن‌ها و اثراتشان بر لبنان پرداخت. اگر با خلع سلاح مقاومت، قدرت اصلی نظامی لبنان از بین برود، این کشور چگونه با تهدیدات متنوع حاضر در محیط خود روبه‌رو خواهد شد؟ در ادامه عمده قوای نظامی حاضر در منطقه شام مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱ نیروهای مستقر در شام

در شام دو نیروی داخلی آن یعنی سوریه تحت حکومت جولانی و رژیم صهیونیستی تهدیدی برای تمامیت ارضی و ثبات لبنان تلقی می‌شوند. هر دو دارای انگیزه‌هایی برای دخالت در امور لبنانند. رژیم صهیونیستی بارترشد قدرتمند خود خواهان اشغال مناطقی از جنوب لبنان و حضور دولتی ضعیف در مناطق باقی مانده است. حکومت جولانی نیز که حکومتی جهادی به حساب می‌آید، بدون آنکه به شکل قلبی برخورد را بپذیرد به دنبال گسترش فوحاتش است. شاید اوبه شکل مستقیم دست به چنین کاری نزند اما به صورت غیرمستقیم آرمان‌های خود را پیگیری می‌کند. جولانی خود با وجود تلاش‌های ائتلافی توانایی خلع سلاح مقاومت در شام را دارد؟ مسئله‌ای که محدودیت‌ناپذیری او در مرزها را ثابت می‌کند.

در فقدان ارتش، مقاومت لبنان بخحست به ۶۰ هزار نفر می‌رسد. این تعداد رسماً ۶۰ هزار نفر عنوان شده‌اند اما در کشورهایی با مختصات لبنان که سهم‌بندی طایفه‌ای و خانوادگی دارند، معمولاً قوا بسیاری بدون آنکه بر سرکار بروند و یا اساساً وجود خارجی داشته باشند. شاید برخی اسامی و عناوین جعلی خلق شده باشند تا یک خانواده بتواند منابع دولتی را از این طریق به دست آورد.

بر همین اساس تعداد واقعی نفرات ارتش لبنان تخمینی تا ۴۰ هزار نفر می‌رسد. این نیرو عمدتاً برای تأمین امنیت داخلی کاربرد دارد در حالی که مقاومت بدون آنکه مسئولیتی در شمال یا مناطق مرکزی برای حزب‌الله داشته باشد، با قابلیت مقابله با رژیم صهیونیستی و سپس حفاظت از جایگاه شیعیان، دارای ۱۰۰ هزار نیرو است. از سوی دیگر مقاومت از موشک‌های ضدتانک پیشرفته مانند نمونه‌های تاب‌تانک الماس و موشک‌های دهلاویه و کورنت بهره می‌گیرد. درحالی که ارتش لبنان به تعداد محدودی موشک ضدزرهی قدیمی مجهز شده که به‌گواهی برخی قابل استفاده هم نیستند. چنین نیروی حتی اگر ارتقای کمی از نظر نفرات و تسلیحات داشته باشد، تضمینی برای شیعیان نیست. آن‌ها با حضور در ارتش فاقد ظرفیت لازم برای دفاع در مقابل صهیونیست‌ها و تنش‌های داخلی خواهند بود.

خاندانه بتواند منابع دولتی را از این طریق به دست آورد.

با دهها هزار سرباز در شمال سوریه به خاموش کرده است. با توجه به توسعه‌طلبی هر دو منافعی که دارند، احتمال دارد زمانی به فکر مداخله مستقیم در لبنان نیز باشند.

خلع چه سلاح‌هایی؟

خلع سلاح مقاومت که این روزها تکرار می‌شود، باید مورد بررسی قرار گیرد که حتی در صورت فرض حرکت به سمت آن، آیا با توجه به وضعیت سلاح در لبنان، این موضوع قابل اجراست یا نه. مسئله سلاح در لبنان شاید بیشتر از آنکه با اروپا، ترکیه، ایران یا روسیه قابل مقایسه باشد با وضعیت عراق یا آمریکا شباهت دارد. خلع سلاح‌ها در حزب‌الله سلاح‌هایی مانند کلت، سلاح‌های انفرادی ثوم‌تانک مانند م-۱۶ و کلاشینکف، تیربارها و راک‌های ضدزره ساده مانند انواع آرپی‌جی اکنون وجود نخواهد بود، زیرا آن‌ها بوفور و به‌صورت شخصی در اختیار تمام مردم لبنان قرار دارند.

آنچه در یک فرایند خلع سلاح در لبنان می‌توان جمع‌آوری کرد احتمالاً شامل موارد مانند توپ‌های ضدهوایی ۲۳ میلی‌متری، موشک‌های ضدزره ضدهوایی دوش‌پرتاب، وانت‌های تقویت‌شده برای امور نظامی موسوم به تاکتیکال و توپخانه می‌شود. خمپاره‌های سنگین در تعداد بالا نیز در حوزه ممنوعه‌ها قرار می‌گیرند.

این سلاح‌ها هر صورت تقویت احتمال خلع سلاح یا بازسرمی‌ها، تهدید به برخورد و اعمال تشویقات مالی جمع‌آوری می‌شوند. برای جمع‌آوری این سلاح‌ها برتری قاطع نظامی لازم است که آمریکا، رژیم صهیونیستی و ارتش لبنان آن را علیه مقاومت لبنان کسب نکرده‌اند. از سوی دیگر این جمع‌آوری باید سراسری باشد تا گروه خلع‌سلاح‌شده باز دیگر از بازاری نزدیک سلاح‌های موردنیاز خود را تأمین نکند. در خاورمیانه، بعضی حاکم‌های داخلی لبنان بر آن اصرار دارند. اتحاد والشنگتن و تل‌آویو سلاح‌های خود را درک کرده و می‌دانند شرایط برای خلع سلاح فراهم نیست و امافعلاً غیرمستقیم ارتقاش ما حمایت می‌کنند؛ حداقل قبلاً برای صهیونیست‌ها تشدید اختلافات داخلی در لبنان است.

گروه‌های داخلی لبنان می‌خواهند با خلع سلاح مقاومت از جنگ کنونی بهره‌برده و بتوانند سهم بیشتری از قدرت را به دست آورند. این گروه‌ها در مقابل مقاومت قدرت چندانی ندارند تا بتوانند مستقل از متحدان خود را وارد بازی کنند.

- کاهش ریسک نرخ ارز: معامله مستقیم با یوآن، طرفین را از نوسانات نرخ ارز، به‌ویژه نوسانات دلار، مصون می‌دارد. این مزیت به‌ویژه برای تجارت خرد و تجارت مانند روسیه و ایران که روابط اقتصادی‌شان بدست تحت‌تأثیر عوامل سیاسی است، حیاتی است.

- گسترش تبادلات مالی: ظهور محصولات و خدمات مالی بیشتر مبتنی بر یوآن (اوراق‌قرضه، سهام، مشتقات ارزی) در بازارهای جهانی، گزینه‌های سرمایه‌گذاری خودتجدیدنظر خواهد کرد.

۲ جمع‌آوری شبکه موشکی

مقاومت لبنان برای حمله به پایگاه‌های رژیم صهیونیستی در عمق سرزمین‌های اشغالی و تحت‌شکار قرار دادن جبهه داخلی آن، به‌طور مستقیم به‌راک‌ت موشک‌متکی بوده است. به‌مرور و با بروز تحولاتی از اهمیت این سلاح در مقاومت لبنان کاسته شد. تأمین، تولید، ذخیره‌سازی، نگهداری و به‌کارگیری موشک‌ها دشواری‌های زیادی دارد. باتوجه‌به افزایش دسترسی رژیم صهیونیستی به‌دستگاه‌های نظارتی مانند رشد تعداد پهپادها و افزودن‌شدن کوادکوپترها، پرتاب موشک به کار بسیار سختی در جنوب لبنان بدل شده است. از سوی دیگر موشک‌ها برای عبور از سد پدافندی رژیم صهیونیستی باید در تعداد بالا پرتاب شوند و در صورت عبور نیز دقت و قدرت تخریب کافی وجود نخواهد داشت.

عامل دیگر در کاهش اهمیت موشک‌ها، ورود پهپاد به نبرد است. پهپادها ابعاد کوچکتری دارند، نیاز به‌پرتاب ندارند و در عرضه مانند مجزاتگهداری شوند. از قطعات ساده و تجاری استفاده کرده و با تجربه بسیار کم نیروها، موتاژ و پرتاب شوند. پدافند هوایی رژیم نیز با توجه کارایی دربرابر راکت و موشک، کارایی مشابهی در برابر پهپادها نشان نداده است، از سوی دیگر محل پرتاب پهپادها نیز مخفی مانده و دقت برخوردشان بیشتر از موشک‌هاست. پس از ناکارآمدی موشک‌ها و اثبات کارایی پهپادها، سومین عامل در کاهش اهمیت سیستم موشکی مقاومت ازدست‌رفتن سوریه است. کارخانه‌های سوریه محل اصلی تولید موشک و انتقال‌ها به لبنان بودند.

مقاومت لبنان درطول جنگ طوفان الاقصی و جنگ دوماهه لبنان تعداد زیادی راکت و موشک استفاده کرده، تعدادی بر اثر حملات رژیم صهیونیستی روی زمین یا کشف آن‌ها توسط نیروهای زمینی منهدم شده‌اند و با سقوط سوریه راهی نیز برای پر کردن مجدد انبارها وجود ندارد؛ این فشار به ذخایر موشکی مقاومت لبنان حکایت از آن دارد که تعداد موشک‌های باقی مانده قابل مقایسه با قبل نیست و بسیار اندک است. نکته مهم آنکه با توجه به توافق آتش‌بس و برچیدن برخی زیرساخت‌ها در جنوب لبنانی و کاوش‌های ارتش لبنان، محلی نیز برای ذخیره‌سازی موشک‌ها وجود ندارد.

براین اساس خلع سلاح مقاومت لبنان به‌دلایل توازن داخلی و خارجی امکان‌پذیر نیست. از نظر سلاح نیز جمع‌آوری سلاح‌های سبک غیرممکن بوده و زمینه ضربه به تسلیحات دوربرد مقاومت نیز از بین رفته است. در واقعیت این سیستم تسلیحاتی از بین رفته و درحال جایگزینی با شیوه‌های جدید است.

خلع سلاح با جمع‌آوری نقاط قوت مقاومت

احتمال دارد دشمن و طبقه سیاسی لبنان در خلع سلاح به‌جای روندی کامل به یک فرایند نسبی راضی شوند که در آن در قالب کنترل سلاح، تنها نقاط قوت نظامی مقاومت از آن سلب شود. در این احتمال نیز مواضع بسیاری پیش روی دشمن قرار دارد.

۱ شبکه ارتباطی

شبکه ارتباطی مقاومت لبنان یکی از عوامل مؤثر در پیروزی جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ معرفی شد اما بخشی از این شبکه در جنگ دوماهه ۲۰۲۴ مورد سوءاستفاده دشمن قرار گرفت و در فضای پیجری و بیسیم‌ها، نیروی انسانی مقاومت به شدت صدمه دید. به نظر نمی‌رسد شبکه ارتباطی سنتی مقاومت قابل جمع‌آوری باشد و از سوی دیگر مقاومت نیز با توجه به ضربات جنگ ۲۰۲۴ در سیستم ارتباطی خود قرار خواهد گرفت.

۲ تهدیدهای نیروهای خارجی مستقر

در حال حاضر دو نیروی نظامی خارجی در شام مستقرند؛ نیروهای آمریکایی در قالب ناتو در اردن و بخشی مستقل در سوریه استقرار یافته‌اند. ترکیه نیز با دهها هزار سرباز در شمال سوریه جا خوش کرده است. با توجه به توسعه‌طلبی هر دو منافعی که دارند، احتمال دارد زمانی به فکر مداخله مستقیم در لبنان نیز باشند.

خلع چه سلاح‌هایی؟

خلع سلاح مقاومت که این روزها تکرار می‌شود، باید مورد بررسی قرار گیرد که حتی در صورت فرض حرکت به سمت آن، آیا با توجه به وضعیت سلاح در لبنان، این موضوع قابل اجراست یا نه. مسئله سلاح در لبنان شاید بیشتر از آنکه با اروپا، ترکیه، ایران یا روسیه قابل مقایسه باشد با وضعیت عراق یا آمریکا شباهت دارد. خلع سلاح‌ها در حزب‌الله سلاح‌هایی مانند کلت، سلاح‌های انفرادی ثوم‌تانک مانند م-۱۶ و کلاشینکف، تیربارها و راک‌های ضدزره ساده مانند انواع آرپی‌جی اکنون وجود نخواهد بود، زیرا آن‌ها بوفور و به‌صورت شخصی در اختیار تمام مردم لبنان قرار دارند.

آنچه در یک فرایند خلع سلاح در لبنان می‌توان جمع‌آوری کرد احتمالاً شامل موارد مانند توپ‌های ضدهوایی ۲۳ میلی‌متری، موشک‌های ضدزره ضدهوایی دوش‌پرتاب، وانت‌های تقویت‌شده برای امور نظامی موسوم به تاکتیکال و توپخانه می‌شود. خمپاره‌های سنگین در تعداد بالا نیز در حوزه ممنوعه‌ها قرار می‌گیرند.

این سلاح‌ها هر صورت تقویت احتمال خلع سلاح یا بازسرمی‌ها، تهدید به برخورد و اعمال تشویقات مالی جمع‌آوری می‌شوند. برای جمع‌آوری این سلاح‌ها برتری قاطع نظامی لازم است که آمریکا، رژیم صهیونیستی و ارتش لبنان آن را علیه مقاومت لبنان کسب نکرده‌اند. از سوی دیگر این جمع‌آوری باید سراسری باشد تا گروه خلع‌سلاح‌شده باز دیگر از بازاری نزدیک سلاح‌های موردنیاز خود را تأمین نکند. در خاورمیانه، بعضی حاکم‌های داخلی لبنان بر آن اصرار دارند. اتحاد والشنگتن و تل‌آویو سلاح‌های خود را درک کرده و می‌دانند شرایط برای خلع سلاح فراهم نیست امافعلاً غیرمستقیم ارتقاش ما حمایت می‌کنند؛ حداقل قبلاً برای صهیونیست‌ها تشدید اختلافات داخلی در لبنان است.

گروه‌های داخلی لبنان می‌خواهند با خلع سلاح مقاومت از جنگ کنونی بهره‌برده و بتوانند سهم بیشتری از قدرت را به دست آورند. این گروه‌ها در مقابل مقاومت قدرت چندانی ندارند تا بتوانند مستقل از متحدان خود وارد بازی شوند.

- کاهش ریسک نرخ ارز: معامله مستقیم با یوآن، طرفین را از نوسانات نرخ ارز، به‌ویژه نوسانات دلار، مصون می‌دارد. این مزیت به‌ویژه برای تجارت خرد و تجارت مانند روسیه و ایران که روابط اقتصادی‌شان بدست تحت‌تأثیر عوامل سیاسی است، حیاتی است.

- گسترش تبادلات مالی: ظهور محصولات و خدمات مالی بیشتر مبتنی بر یوآن (اوراق‌قرضه، سهام، مشتقات ارزی) در بازارهای جهانی، گزینه‌های سرمایه‌گذاری

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در شبکه‌های مجازی منطقه و لبنان سرباز‌ان سایبری دشمن و رقبای داخلی مقاومت لبنان به همراه صهیونیست‌ها درحال دامن زدن به شایعه خلع سلاح هستند؛ سلاحی که در غزه از دستان مقاومت خارج نشد و پیشروی صهیونیست‌ها در جنوب لبنان را متوقف کرد؛ با چه‌تدبیری باید از دستان آن گرفته شود؟ چه گروه‌ها، دولت‌ها و تلاقی توانایی خلع سلاح مقاومت در شام را دارد؟ سؤال مهم آنکه آیا درصورت حرکت دشمن به سمت تحقق خلع سلاح، واکنش مقاومت چه خواهد بود؟ مگر تمام جنگ‌های قبلی برای تحقق خلع سلاح مقاومت و حتی نابودی محیط اجتماعی آن نبودند و به ناکامی نرسیدند؟ سؤالات متعددی در این زمینه با جواب‌هایی نقریباً واضح وجود دارد. مقاومت چون می‌داند پس از خلع سلاح، دشمن هیچ مهلتی به او نمی‌دهد، پس به جای تن دادن به خلع سلاح به هرگونه جنگ حتی در فراگیرترین شکل تن می‌دهد. علی رغم این نکته اما قضیه خلع سلاح نیازمند مشوکاتی بیشتری است تا بتوان توضیح داد که به چه دلایلی این قضیه امکان تحقق ندارد.

ردّ خلع سلاح در بررسی تغییرات توازن داخلی

خلع سلاح مقاومت در لبنان به معنای خلع سلاح در جریان عمده شیعی و به طور خلاصه سلاح شیعیان است. این درحالی است که اهل سنت و مسیحیان دارای گروه‌های شبه‌نظامی گوناگونی هستند. آن‌جا که این گروه‌ها خلع سلاح رانمی‌پذیرند، قطعاً خلع سلاح شیعیان امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا توازن داخلی به زیان شیعیان برهم می‌خورد. بر فرض آنکه شبه‌نظامی‌ها اقدام به تسلیم و مسیحی خلع سلاح را بپذیرند، همچنان به مشکل دیگر از نظر اختلاف توازن مذهبی و طایفه‌ای باقی خواهد ماند.

مشکل اول به بافت مسیحی ارتش لبنان مربوط است. اگر گروه‌های شبه‌نظامی سه طایفه اصلی منحل شوند، قدرت نظامی از طریق ارتش به‌طور انحصاری در اختیار مسیحیان قرار می‌گیرد و در اینجا به شیعیان، بلکه کل مسلمانان از نظر توازن نظامی زیان می‌بینند.

مشکلی نیز در خصوص اهل سنت وجود دارد. اگر گروه‌های شبه‌نظامی اهل سنت خلع سلاح شوند، خصوصاً دولت حواله‌ی و جنبش گروه تروریستی تکفیری در مورد به این ضعف را برای آن‌ها جبران خواهد کرد. برخی اخیراً حکایت از تجمع دهها هزار تروریست تکفیری در مرز با لبنان دارد. ارتش حواله‌ی تاکنون چندین دور درگیری را با قبایل شیعی و ارتش لبنان پشت سر گذاشته است.

در شرایطی که این گروه‌های تروریستی از ابتدای بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ دست به کشتار شیعیان زده و پس از روی کار آمدن حواله‌ی نیز این اقدام را در ساحل سوریه و مرز با لبنان تکرار کردند، عملاً اسلح اهل سنت در لبنان مؤثر باقی خواهد ماند. در چنین وضعیتی خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی سنی معنا‌ست، زیرا این خلأ را تروریست‌های تکفیری حاضر در سوریه پر می‌کنند.

مشکل سوم در سازیه بین اسلحه است که در آن تلاش شود توازن نظامی در لبنان و محیط سوریه از طریق جذب شیعیان به ارتش برقرار بماند. یکی از پیشنهادها در راستای تحقق خلع سلاح مقاومت پوستن بخشی از نیروهای آن به ارتش لبنان است؛ موضوعی که رئیس جمهور لبنان آن را مطرح کرد.

در این صورت شیعیان دسترسی خود به سلاح را حفظ کرده و توازن نیز با اتهام انحصار سلاح در دستان مسیحیان مواجه خواهد بود. مشکل این سناریو اما بعد محدود استعداد ارتش و تسلیحاتی ارتش لبنان است. این ارتش فاقد نیروی هوایی و زرهی است؛ به‌گونه‌ای که امنیت مرزهای دریایی اش با آلمان است. این مسئله در سناریوهای خلع سلاح معضل نیست زیرا مقاومت نیز فاقد چنین نیروهایی است، منافشه امابر سر توان رزمی آشکار می‌شود.

تعداد نیروهای ارتش لبنان بخحست به ۶۰ هزار نفر می‌رسد. این تعداد رسماً ۶۰ هزار نفر عنوان شده‌اند اما در کشورهایی با مختصات لبنان که سهم‌بندی طایفه‌ای و خانوادگی دارند، معمولاً قوا بسیاری بدون آنکه بر سرکار بروند و یا اساساً وجود خارجی داشته باشند. شاید برخی اسامی و عناوین جعلی خلق شده باشند تا یک خانواده بتواند منابع دولتی را از این طریق به دست آورد.

بر همین اساس تعداد واقعی نفرات ارتش لبنان تخمینی تا ۴۰ هزار نفر می‌رسد. این نیرو عمدتاً برای تأمین امنیت داخلی کاربرد دارد در حالی که مقاومت بدون آنکه مسئولیتی در شمال یا مناطق مرکزی برای حزب‌الله داشته باشد، با قابلیت مقابله با رژیم صهیونیستی و سپس حفاظت از جایگاه شیعیان، دارای ۱۰۰ هزار نیرو است. از سوی دیگر مقاومت از موشک‌های ضدتانک پیشرفته مانند نمونه‌های تاب‌تانک الماس و موشک‌های دهلاویه و کورنت بهره می‌گیرد. درحالی که ارتش لبنان به تعداد محدودی موشک ضدزرهی قدیمی مجهز شده که به‌گواهی برخی قابل استفاده هم نیستند. چنین نیروی حتی اگر ارتقای کمی از نظر نفرات و تسلیحات داشته باشد، تضمینی برای شیعیان نیست. آن‌ها با حضور در ارتش فاقد ظرفیت لازم برای دفاع در مقابل صهیونیست‌ها و تنش‌های داخلی خواهند بود.

استراتژی چین برای بازآرایی نظم مالی جهانی

جنگ سرد ارزی؛ یوآن به دنبال تاج و تخت دلار

محمدحسن معصومزاده
پژوهشگر اندیشکده حکمرانی شریف

نظام مالی بین‌المللی در سال‌های اخیر دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شده است. یکی از رازرازترین این تحولات، استفاده فزاینده و فعالانه از ابزار تحریم‌های مالی توسط ایالات متحده و دولت‌های غربی به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی است. این رویکرد، بسیاری از بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه کشورهایی مانند روسیه و ایران را که مستقیماً هدف این تحریم‌ها بوده‌اند، به سمت بازنگری بنیادین در وابستگی خود به دلار آمریکا سوق داده است. در این مسیر، مفهوم «دلارزدایی» - یعنی کاهش سیستماتیک اتکا به دلار به‌عنوان ارز ذخیره غالب، ابزار مبادله و واحد محاسبه جهانی - به یک اولویت راهبردی و ضروری فزاینده بدل شده است.

در این میان، جمهوری خلق چین به‌عنوان یکی از قدرتمندترین و تأثیرگذارترین بازیگران در عرصه مالی جهانی و تجارت، نقشی محوری ایفا می‌کند. چین با پیگیری یک استراتژی جامع و چندلایه، به طور سیستماتیک در حال ترویج بین‌المللی سازی واحد پول ملی خود، یوآن، است. دلارزدایی بخش جدایی‌ناپذیری از این استراتژی کلان محسوب می‌شود که تا حدی پاسخی به فشارهای فزاینده اقتصادی و مالی از سوی ایالات متحده و همچنین تلاشی برای تقویت جایگاه جهانی چین است. یکن فعالانه در حال گسترش همکاری‌های مالی و پولی خود با کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است و همزمان جایگاه بین‌المللی یوآن را رقنا می‌بخشد. چهارچوب‌هایی مانند بریکس (که ایران نیز اکنون عضوی از آن است) به بسترهای کلیدی برای پیشبرد این دستور کار تبدیل شده‌اند. تلاش‌های اعضای بریکس برای کاهش سهم دلار در اقتصاد جهان یکی از پیامدهای بی‌سابقه است که به‌تدریج پایگاه کاربران دلار را در میان فعالان اقتصادی جهان کاهش می‌دهد و امکان‌پذیری و جذابیت کاهش وابستگی به ارز آمریکایی را برای سایر کشورهای جنوب جهانی آشکار می‌سازد. این نوشتار، با اتکا به گزارش تفصیلی «شورای امور بین‌الملل روسیه» با عنوان «مکانیسم‌های دلارزدایی چین در استراتژی بین‌المللی‌سازی یوان» در تحلیل روندهای جهانی، زیرساخت‌های چین، تجربیات روسیه و چالش‌های موجود، به بررسی این چشم‌انداز نیز اذعا‌ده و سپس توصیه‌های مشخصی را برای ایران، باتوجه‌به جایگاه ویژه و فرصت‌های پیش روی آن ارائه می‌دهد.

روندهای جهانی و استراتژی چین؛ پیشران‌های تغییر

محرک اصلی حرکت جهانی به سمت دلارزدایی، همان‌گونه که ذکر شد، استفاده ابزاری از تحریم‌های مالی است. اما فراتر از آن، تمایل به ایجاد یک سیستم مالی بااثبات‌تر و رقابت‌پذیرتر به سیاست‌های یک کشور واحد نیز نقش دارد. استراتژی چین برای بین‌المللی‌سازی یوان، پاسخی چندوجهی به این روندها و همچنین پیگیری منافع ملی چین است. پیامدهای این استراتژی عبارتند از:

- کاهش وابستگی به دلار و افزایش ثبات جهانی: هرچند انتظار نمی‌رود دلار در کوتاه‌مدت جایگاه خود را به‌عنوان ارز غالب حفظ کند، تلاش‌های چین برای استفاده از یوآن و سایر ارزهای ملی، تنوع را به سیستم ارزی جهان می‌بخشد. این تنوع می‌تواند با کاهش سلطه تک‌ارزی دلار، ثبات و تاب‌آوری سیستم مالی جهانی را در برابر شوک‌های احتمالی افزایش دهد.

- تسهیل تجارت و کاهش هزینه‌ها: بین‌المللی‌شدن یوآن به کسب‌وکارها امکان می‌دهد تراکنش‌های فرامرزی را مستقیماً با این ارز انجام دهند، نیاز به ارزهای واسطه را حذف کرده، هزینه‌ها و ریسک‌های مبادلاتی را به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌دهد و همچنین پیگیری منافع ملی چین، پیامدهای کلیدی این استراتژی عبارتند از:

- گسترش روابط بین‌المللی: یوآن به عبارت صحیح‌تر روابط بین‌تزادی - ایجاد کارد. با این حال، حتی‌زمانی که بشریت - عمدتاً - از منطق‌های نژادی عقب‌افتاده و زیربنای سرمایه‌گذاری امپریالیستی اروپا بیرون‌ورفته‌است، طبقه‌بندی نژادی چین به‌خاطر میزان همچنان بر تلاش‌های مایرای تقسیم کرد و زمین به دسته‌بندی‌های بی‌ربط و مسابه اتفاقات و سردرگمی ایجاد می‌کند.

مانند بسیاری از مقوله‌هایی که بدون رضایت افراد به آن‌ها پیوند زده می‌شود، این تقسیم‌بندی سلسله‌مراتبی از جهان را کنش‌های محضر بی به خود دارا ایجاد کرد. مردمان استعمارشده به طور نمونه برای این تقسیم‌بندی را پذیرفته و تغییر کاربرای دادند و همبستگی ضداستعماری و ضدنژادپرستی رادر سراسر کلیه آمریکا، آسیا و آمریکای لاتین و حتی با همبستگی اقلیت در کشورهای استعمارگر شکل گر